

الگوی مدیریتی حضرت موسی علیه السلام در بحران‌های اجتماعی (با تکیه بر تفاسیر المیزان و نور)

۲۹

فزان پور

سال اول / شماره ۳ / بهار ۱۴۰۱

----- محسن خوش فر* - وجهه شکرانی پور**

چکیده

بحران‌های اجتماعی باعث پیدایش مشکلات گوناگون در جامعه است. شناخت ابعاد و ویژگی‌های آنها شرط اول برای مدیریت آن بحران‌هاست. در تاریخ دوره‌ها و جامعه‌های مختلف، پیامبران الهی در صدد پیشگیری و یا کنترل حوادث و ناآرامی‌های اجتماعی بوده‌اند. از آنجا که دوران رسالت حضرت موسی علیه السلام با اتفاقات و بحران‌های اجتماعی متعددی روبه‌رو بوده، پژوهش حاضر درصدد است تا مؤلفه‌های مدیریتی آن حضرت را در حل بحران‌های اجتماعی با روش داده‌بنیاد و با بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی بررسی نموده و به ارائه الگوی مدیریتی حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با بحران‌های اجتماعی بپردازد. این نگاه‌ها با روش توصیفی تحلیلی، پس از استنتاج از آیات مربوط به حضرت موسی علیه السلام و با تکیه بر تفسیر المیزان و تفسیر نور، مدل‌سازی کرده است. در الگوی استخراج‌شده مواردی همچون: «مبانی» مثل همراهی خداوند در هر حال و دعوت بر اساس بینه؛ «اصولی» مثل مهرورزی و ایجاد رابطه عاطفی با مخاطبان؛ «روش‌هایی» چون روش گفتاری، عاطفی و عملی؛ «عوامل ایجاد بحران» مانند غرور و زیاده‌خواهی و پیروی از منحرفان؛ «زمینه‌هایی» چون جهالت و تمایل به بت‌پرستی و وجود منحرفان؛ «اهدافی»

* استادیار گروه حدیث، جامعه المصطفی ص العالمیه، قم؛ (mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir).
** طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی فاطمة الزهراء علیها السلام، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)؛
(v. shookranypoor1356@gmail.com).

همچون ایجاد آمادگی لیبیک گفتن به ندای مسؤولیت و هدایت قوم، اصلاح و مبارزه قاطع با خط انحرافی یافت شد و در نتیجه ارتباط این یافته‌ها مانند رابطه میان «مبانی، اصول و اهداف»، رابطه میان «روش‌ها و عوامل و زمینه‌ها» و... در الگو روشن شده است.

واژگان کلیدی: بحران اجتماعی، مدیریت بحران، الگوی مدیریت پیامبران.

مقدمه

مدیریت و مواجهه با بحران‌های اجتماعی از ظرافت و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است و در نتیجه داشتن الگو و مهارت چنین مدیریتی برای گذر از بحران از مهم‌ترین دغدغه‌های رهبران جوامع بشری بوده است. هر بحران اجتماعی مولود مسائل و مشکلات گوناگونی است که شناخت ابعاد و ویژگی‌های آنها از قدم‌های اولیه در مدیریت بحران خواهد بود (الوانی، ۱۳۷۱، ص ۴۱). شناخت رفتار پدیده‌های اجتماعی هم مثل بحران نیاز به آگاهی از زمینه‌ها و روابط ساختاری دارد که موجب شکل‌گیری و حیات آن پدیده‌ها می‌گردد، قرآن کریم به‌عنوان وحی الهی تاکید ویژه‌ای بر مشخصه‌های رفتاری قوم بنی‌اسرائیل نموده و حدود یک‌پنجم آیات قرآن به این رفتارها اشاره دارد، به همین جهت لازم است تا با الگوگیری از رفتار اقوام گذشته و رهبری موفق انبیاء الهی به الگوی مشخصی برای مدیریت بحران‌های جوامع بشری دست یافت. از آنجا که جوامع امروزی به‌خاطر شرایط خاص سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در معرض بحران‌های متعددی هستند که می‌تواند نهادهای اجتماعی را دچار تحول و حتی نابودی نماید، برای مقابله با این بحران‌ها، می‌توان با استفاده از قرآن کریم برای جوامع و سازمان‌های امروزی نسخه قابل قبولی ارائه داد. یکی از انبیای اولوالعزم که بیشتر فرازهای زندگی او در قرآن کریم ترسیم شده، حضرت موسی علیه السلام است که در قصه‌های قرآنی، سیره و سلوک او نقش ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد. در واقع قرآن کریم قوم بنی‌اسرائیل را به‌عنوان الگویی از جامعه انسانی معرفی و برهه‌های مهم تاریخ آنان و متقابلاً نحوه مواجهه و سبک رهبری حضرت موسی علیه السلام را در تعامل با این قوم مطرح نموده است. این تحقیق در صدد است تا با بررسی و تحلیل مفاهیم و اشارات آیات قرآن کریم به روش الگو و با تکنیک داده‌بنیاد به استخراج الگوی مواجهه حضرت موسی علیه السلام با بحران‌های اجتماعی عصر خویش بپردازد و تلاش شده تا از بین زوایای داستان وی تنها به آن مسائل اجتماعی که باعث بروز بحران در جامعه بوده، پرداخته شود و در این مسیر با تکیه بر «تفسیر المیزان» الگوی جامعی از نحوه مواجهه و مدیریت بحران توسط حضرت موسی علیه السلام را ارائه دهد؛ الگویی که بتواند در زمینه‌ها و رخداد‌های مشابه، راهنمای مدیران

و رهبران جوامع بشری باشد. برای دوری از انحراف و یا تفسیر به رأی در بررسی آیات مورد نظر، تفسیر گران‌سنگ المیزان مبنا قرار داده شده است.

درباره حضرت موسی علیه السلام تألیفاتی پیرامون شیوه تبلیغ و رهبری قوم بنی اسرائیل توسط آن حضرت به رشته تحریر در آمده از جمله: «راهبردهای مقابله با مسائل فرهنگی اجتماعی در سیره مدیریتی حضرت موسی علیه السلام» از طاهر اکبری و ولی‌الله نقی‌پور و همچنین مقاله «تبیین الگوی رهبری قوم بنی اسرائیل به دست حضرت موسی علیه السلام» از مصباح الهدی باقری و محمدرضا کاظمی. اما آنچه تحقیق حاضر را از سایرین متمایز می‌کند پرداختن به مدیریت بحران توسط حضرت موسی و نوع مواجهه ایشان آن هم به روش داده‌بنیاد است که هم از نظر روش و هم از نظر استخراج مطالب و طبعاً هم از نظر نتیجه، کاری متفاوت با سایرین خواهد بود.

روش این پژوهش تحلیل مضمونی، با رویکردی توصیفی و تحلیلی بر آیات در راستای ارائه الگو است. این روش به‌عنوان یک راهبرد برای تقلیل و تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود، به طوری که داده‌ها تقسیم‌بندی، طبقه‌بندی، تلخیص و بازسازی شده و محقق از مجموع این مفاهیم، به یک یا چند الگو هدایت می‌شود (یاوری، ۱۳۹۴، ص ۵-۶). مؤلفه‌هایی همچون: مبانی، اصول، روش، ابزار، هدف، عوامل، زمینه‌ها ابتدا از کتب و مقالات اجتماعی استخراج شد سپس به سراغ آیات مرتبط با موضوع حضرت موسی علیه السلام رفته و روش مورد نظر اجرا گردید که در ادامه خواهد آمد.

در بیان فرایند تحقیق از تعیین موضوع تا رسیدن به الگو، مراحل مختلف به تفکیک، با جداول و نمودارهای مربوط به هر قسمت توضیح داده می‌شود. در مرحله اول با رجوع به آیات قرآن کریم با بررسی چهار واژه کلیدی موسی، بنی اسرائیل، یهود و هادوا به استخراج داده‌ها پرداخته شد. بعد از بررسی مفاهیم و ادبیات تحقیق با بررسی بیش از ۱۱۰۰ آیه از قرآن کریم به روش تحقیق موضوعی پیرامون آیات حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل با تکنیک داده‌بنیاد به استخراج گزاره‌ها و داده‌های مربوطه پرداخته شد؛ سپس با طراحی جدول شماره (۱) کدگذاری صورت گرفت در ادامه کدهای به دست آمده در دسته‌های کلی‌تری قرار گرفته و سپس در ذیل مؤلفه‌های اصلی گنجانده شد و با توجه به مفاهیم کسب شده مدل مورد نظر طراحی گردید.

الف. مفاهیم و ادبیات تحقیق

قبل از بیان الگوی مدیریتی، برخی از کلیدواژه‌های اصلی تعریف می‌شود. واژه‌های «الگو»، «بحران»، «بحران اجتماعی»، «مدیریت» و همچنین مفاهیم مربوط به جداول در این بخش معرفی می‌شوند.

۱. الگو

واژه «Pattern» به معانی الگو (شایان مهر، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۹) در مفاهیم متعددی به کار رفته است. در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت: الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی است. (سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، ۱۳۸۹، ص ۶۹) در معنای الگو و مدل نیز آورده‌اند: الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، نمونه، مثال، مدل و غیره آمده است (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۴۶، ذیل واژه الگو). طرح و برنامه‌ای که قابل اجرا و تکرار باشد (عباسی مقدم، ۱۳۹۱، ص ۴۵). در پژوهش حاضر مراد از الگو طرح و برنامه‌ای است که قابل اجرا باشد.

۲. بحران

برای بحران تعاریف متعددی ذکر شده که در همه آنها عموماً وضعیت غیر عادی و اضطراب نرفته است. بحران برگردان واژه یونانی crisis است که خود برگرفته از یک واژه طبی یونانی است. به بیان دیگر بحران عبارت است از یک دسته حوادث و وقایع که به سرعت حادث گردیده و تعادل نیروها را در سیستم کلی بین‌المللی یا سیستم‌های فرعی بر هم زده و شانس و امکان تشدید تخاصم در سیستم را افزایش می‌دهد (کاظمی، ۱۳۷۶، ص ۱۳). شاید اولین تعریف از بحران، توسط هیرمان (۱۹۶۹م) ارائه شده که از نظر وی بحران، موقعیتی با سطح بالا و فشار زمانی یا محدودیت زمانی برای تصمیم‌گیری است که تصمیم‌گیران را شگفت‌زده می‌کند (لیپیت واسجمید، ۱۹۶۷). در این مقاله نیز مقصود از بحران، موقعیت‌های پیش‌آمده در زندگی حضرت موسی علیه السلام است که دارای دو قید اضطراب و بر هم زنده تعادل جامعه بوده است.

۲/۱. بحران‌های اجتماعی

آن دسته از بحران‌هایی که به گروه‌های اجتماعی گسترش یافته و موجب به‌خطرافتادن تعادل عمومی و زندگی اجتماعی می‌شود را بحران اجتماعی می‌گویند و زمانی نشانه‌های آن آشکار می‌شود که نظام اجتماعی توانایی حل آن را از دست داده و قادر به مهار و کنترل حوادث غیر دلخواه نمی‌باشد. در این وضعیت نابسامانی عمومی و عدم تعادل فراگیر در جامعه بروز پیدا می‌کند (ناکینی، ۱۳۹۶، ص ۷۹). بحران‌های اجتماعی می‌توانند در زمینه‌های بسیار متفاوت اقتصادی، فرهنگی، طبیعی و سیاسی و غیره بروز کنند؛ هر یک از این بحران‌ها الگوی خاصی در فرایند گسترش دارند که از دیگری متمایز می‌شوند. در حقیقت نوع بحران می‌تواند سرعت و مسیر گسترش آنها را رقم بزند و فضا را برای تهدید علیه ارزش‌های پایه فراهم نماید (همان، ص ۸۱).

۲/۲. مدیریت بحران

«مدیریت بحران» هم مانند مفهوم «بحران» از منظرهای گوناگون مورد تعریف و تدقیق واقع شده است و در برگیرنده هر تمهیدی برای پرهیز از بحران، جستجوی اندیشمندان بحران، خاتمه و مهار بحران در راستای تأمین منافع ملی و فرا ملی است (تاجیک، ۱۳۸۴، ص ۸۵). حفظ عملکرد مورد انتظار، دسترسی به اهداف و بازگرداندن سریع جامعه به وضعیت نرمال را مدیریت بحران گویند. می‌توان بحران‌های اجتماعی را بر اساس مجموع عناصر داخلی و خارجی تأثیرگذار شناسایی و مدیریت کرد. در مورد بحران‌های اجتماعی باید خاطر نشان نمود که هر اجتماعی با توجه به شرایط خاص خود همچون ویژگی‌های ساختاری فرهنگی نوع مخاطبان اهداف زمینه‌ها و بسترهای موجود و شرایط حاکم بر آن بایستی مدیریت شود. پس از بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید که در مدیریت بحران‌های اجتماعی توسط حضرت موسی علیه السلام نیز چه قبل از ایجاد بحران و چه در حین بحران و چه در خاتمه بحران، تمهیدات مدیریتی توسط آن حضرت صورت گرفته است؛ برای مثال در جریان سامری حضرت موسی علیه السلام پیش از به وجود آمدن این بحران هنگام ترک قوم با انتخاب جانشین خود تمهیدات لازم را برای حفظ قوم انجام دادند و سپس بعد از ایجاد بحران با از بین بردن عامل ایجاد بحران (گوساله سامری) و تبعید سامری بحران را مهار و خاتمه دادند و با نوع عملکردی که به عنوان رهبر جامعه داشتند به بهترین وجه بحران پیش آمده را مدیریت نمودند.

۳. مفاهیم مربوط به جداول

مبانی: جمع مبنا است و مبنا به معنای بنا و عمارت است و همچنین به معنای بنیان و اساس آمده (دهخدا، ۱۳۵۲، ص ۳۹، ذیل واژه مبنا) و «بنا» به ساختمان نیز معنا شده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۴۷) و فعل آن هم به همین معنا در قرآن کریم به کار رفته است «وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا» (نبا: ۱۲). از «بنی» مشتق شده و به معنای بنا ساختن و در اینجا اسم مفعول به معنای بنا شده استعمال شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۲). در اصطلاح: پیش فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی است که مطالب یک علم بر آن استوار می‌گردد (شایان مهر، علیرضا، ۱۳۷۹، کتاب دوم، ص ۵۲۳). در جمع بندی می‌توان گفت «مبانی» جمع «مبنا» و از ریشه «بنی» به معنای ساختمان است ولی از آن روی که ساختمان بر پی و بن بنا می‌شود گاه مبنا به معنای پایه و شالوده و اساس نیز آمده است و مراد ما از اصطلاح مبنا در این نوشتار بیان پیش فرض‌ها و باورهای اعتقادی است که در مدیریت بحران‌های اجتماعی در سیره حضرت موسی علیه السلام دیده می‌شود.

اصل: معادل انگلیسی principle، در لغت به معنای ریشه، اساس و مبدأ است و اصل در تعریف ابتدا به معنای پایین‌ترین قسمت هر چیز به‌کار می‌رفته (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۱۵۶) و در نقطه مقابل آن «فرع» گفته شده (ابوهلال عسگری، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱). جمع اصل، اصول است و مراد از اصول، قواعدی است که احکام علم در آن بنا می‌شود (مجمع اللغة العربیة، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۰) در قرآن نیز اصل به معنای لغوی‌اش به‌کار رفته است (مانند: ابراهیم: ۲۴/ صافات: ۶۴). واژه اصل به‌مانند بسیاری از واژگان دیگر دچار تطور معنایی شده که ابتدا به معنای کف و پایین‌ترین قسمت شی بوده و سپس معنایش توسعه یافته و به اساس هر چیز می‌گفتند (فضلی: بی‌تا، ص ۱۰) در پژوهش حاضر اساس مدیریت حضرت موسی علیه السلام بر اصولی همچون مهرورزی و ایجاد رابطه عاطفی با قوم برای مهار بحران‌های اجتماعی استوار گردیده است.

رابطه اصول و مبانی: مبانی هر علمی در داخل خود آن علم نیستند؛ بلکه در بیرون آن علم قرار دارند و علوم بر آنها متکی است؛ در واقع مبانی حکم اصول موضوعه را دارد؛ یعنی بنیادهایی که از جای دیگر گرفته و به آنها اعتماد شده است. مبانی غالباً عاریتی هستند و با تکیه بر این مبانی است که هر رشته‌ای کار خودش را انجام می‌دهد و قواعدی که بر اساس این مبانی کشف می‌شود اصول آن علم خواهد بود. اصول قواعد عامه‌ایی هستند که می‌توان آنها را به منزله دستورالعمل کلی ملاحظه کرد و در برنامه‌ریزی‌ها از آن به‌عنوان راهنمای عمل بهره‌برداری نمود (کشاوری، بی‌تا، ص ۴۳۵). در مدیریت بحران‌ها توسط حضرت موسی علیه السلام اصولی همچون مهرورزی با قوم از مبناهای گفته شده در الگو کشف گردیده است.

هدف: در لغت به معنای هر چیز بلند و برافراشته، مقصود و غایت، آنچه آدمی برای رسیدن به آن بکوشد به‌کار می‌رود (معین، ۱۳۷۱، ذیل واژه هدف) طبق بررسی‌های به‌عمل آمده در نحوه مدیریت بحران‌ها توسط حضرت موسی علیه السلام اهداف و مقصود و غایت مدیریت ایشان در آیات قرآن، ایجاد آمادگی در قوم برای عمل به مسؤولیت و انذار قوم و رهایی قوم و... دانسته شد.

عامل: «عامل یا سبب» در لغت به معنای ریسمان و طنابی است که با آن از درخت بالا می‌روند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۱). در اصطلاح این تحقیق مقصود از عوامل آن دسته از سبب‌هایی است که موجب ایجاد بحران گردیده و در واقع پیدایش بحران‌ها معلول آن عوامل بوده است؛ همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: «وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بَسْمًا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۹۳) و مراد از «عجل»، محبت عجل است که خود عجل در جای

محبت نشسته تا مبالغه را برساند و بفهماند: یهودیان از شدت محبتی که به گوساله داشتند خود گوساله را در دل جای دادند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۵) و با این گوساله پرستی موجب ایجاد بحرانی عظیم در قوم خود گشتند. در واقع گوساله پرستی قوم بنی اسرائیل هم عامل بحران رواج بی دینی و خرافه پرستی بود و هم به نوعی یک بحران اجتماعی بود که جامعه آن روز را فرا گرفت.

زمینه: منظور از زمینه در این پژوهش، بسترهای موجودی است که موجبات پیدایش بحران‌های اجتماعی در عصر حضرت موسی علیه السلام بوده‌اند؛ زمینه‌هایی همچون: جهالت قوم و تمایل به بت پرستی و وجود منحرفانی مانند سامری. «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ ءَالِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۱۳۸) بر جهلی که به مقام پروردگار خود داشتند و با اینکه بطلان روش بت پرستی روشن و واضح بود چنین تقاضایی کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۰). این زمینه‌ها ممکن است اختیاری و غیر اختیاری به وجود آید.

روش: «روش» معادل کلمه انگلیسی method، در لغت به معنای شیوه، اسلوب، سبک و... است و در واقع به معنای «در پیش گرفتن راه» است. در معنایی کلی تر، روش هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود است. روش ممکن است به مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند، مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند و مجموعه ابزار و فنونی که آدمی را از مجهولات به معلومات راهبری می‌کند اطلاق شود (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴) در تحقیق حاضر مجموعه اقداماتی که حضرت موسی علیه السلام برای مدیریت بحران‌های اجتماعی قوم خود به کار گرفته را روش گویند مانند روش توجیه منطقی قوم برای پذیرش فرمان الهی (بقره: ۵۴).

ب. جمع‌آوری داده‌های متنی

مرحله جمع‌آوری داده‌ها از مراحل مقدماتی تحقیق بوده و شاید بتوان گفت مراحل بعدی و ارایه یک الگوی مناسب و درخور، ارتباط تنگاتنگی با انجام درست این مرحله دارد؛ چرا که دقت در استخراج داده‌ها با تکیه بر تفاسیر معتبر به عنوان اولین مرحله می‌تواند مراحل بعدی را سهل و آسان نماید.

۱. استخراج آیات مربوط به حضرت موسی علیه السلام

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید با رجوع به آیات قرآن کریم با بررسی چهار واژه کلیدی موسی، بنی اسرائیل، یهود و هادوا به استخراج داده‌ها پرداخته شد. واژه «موسی علیه السلام» ۱۲۹ بار، «بنی اسرائیل»

۴۰ بار، «یهود» ۸ بار و واژه «هادوا» ۱۰ مرتبه در آیات قرآن کریم تکرار گردیده است. که جمعا ۱۷۹ آیه را در بر داشت و با احتساب سیاق آیات به بیش از ۱۱۰۰ آیه رسید. با بررسی بیش از ۱۱۰۰ آیه از قرآن کریم پس از قرار دادن داده‌های مشابه ذیل یک عنوان کد، نزدیک به ۷۹۰ داده استخراج گردید. در این مرحله با مبنا قراردادن تفسیر المیزان، آیات با دقت مورد تأمل قرار گرفته و مستند آن عناوین جزئی در نقل قول مستقیم عبارات المیزان با خط کشیدن زیر آن، مشخص گردید تا روشن باشد عناوین با تکیه بر چه عبارتی از المیزان اتخاذ شده است.

۱/۱. کدگذاری

کدگذاری در این روش تحقیق، پیش‌نیاز تحلیل کیفی در مراحل بعد است و بستر تحلیل بهتر مضامین و عناوین را فراهم می‌سازد. (یاوری، ۱۳۹۴، ص ۴) در این مرحله، مفاهیم، اشارات، پیام‌ها و نکاتی را که از بیان آیه به دست می‌آید، به صورت عبارات مصدری بیان می‌شود. البته برای اینکه کدهای استخراج شده درست و صحیح باشد سیاق آیات را هم در نظر گرفته و در این مرحله از تفسیر المیزان استفاده می‌نماییم. گاهی از بیان تفسیر علامه ذیل چند آیه متفاوت یک عنوان جزئی، گرفته شده است، به طور مثال از بیان علامه ذیل آیات ۵۲ بقره و ۱۵۳ سوره نساء یک کد با عنوان «باز بودن راه توبه در هر حال» استخراج شد. همان طور که در جدول شماره (۱) به آن اشاره گردیده است. یا به عنوان مثال: از آیات ۵۱، ۵۴، ۹۲ و ۹۳ بقره و ۱۴۸ اعراف یک کد با عنوان «تمایل به گوساله پرستی» اتخاذ شد. عناوین جزئی بیشتر از مفهوم مطالب، صورت پذیرفته است. چرا که فهم دقیق مفهوم آیه حائز اهمیت بوده است، در بعضی از موارد منظور آیه و مفسر صریح نبود، به همین جهت برای مصون ماندن از تفسیر به رأی و عدم تحمیل نظر شخصی به قرآن با مراجعه به تفسیر نور آقای قرائتی از نکات و پیام‌های مستخرج شده توسط ایشان نیز استفاده شد. در نهایت پس از بررسی آیات با عدم احتساب موارد مشابه ۷۹۰ کد اولیه به دست آمد.

جدول شماره (۱): داده‌ها

شناسه	داده	سوره و آیه	کد یا عنوان جزئی
P1	وَ إِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ اَزْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۶)	بقره: ۵۱	حضورنداشتن رهبری (زمینه انحراف)
P2	ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَاَنْتُمْ ظَالِمُونَ	بقره: ۵۱	شرك، ظلم به انسانیت
P3	ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ	بقره: ۵۲	عفو الهی، زمینه‌ای برای شکرگزاری
P4	ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ	بقره: ۲۵	باز بودن راه توبه حتی در حال شرك
P5	وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَ الْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ	بقره: ۵۳	کتاب آسمانی مایه هدایت
P6	فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِّيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً «فَبِنَقْضِ مَا مِنْهُمْ لَمِثَاقِهِمْ لَعْنَاهُمْ» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۴۰)	مائده: ۱۳ نساء: ۱۵۵	پیمان شکنی
P7	«مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» وقد وصف الله تعالى هذه الطائفة بتحريف الكلم عن مواضعه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۶۴)	نساء: ۴۶ مائده: ۱۳ و ۴۱	تحریف در مفاهیم لغات و فرهنگ، از گناهان کلیدی و زمینه‌ساز گناهان دیگر

مادی گرایى و توجه به محسوسات	بقره: ۹۶	<p>وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةِ الدُّنْيَا، <u>إنهم أحرص الناس على هذه الحياة الدنيا التي لا حاجب ولا مانع عن تمنى الدار الآخرة</u> (طباطبایى، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۸)</p>	P8
انتصاب جانشین	اعراف: ۱۴۲	<p>وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» إنما قاله حين ما كان يفارقهم للميقات، و الدليل على ذلك قوله: <u>اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي» فإن الاستخلاف لا يكون إلا فى غيبة</u> (طباطبایى، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۶)</p>	P9
مطالبه گری از جانشین خود	طه: ۹۲	<p>«قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي» رجوع بعد تکلم القوم فى أمر العجل إلى <u>تکلم أخيه هارون إذ هو أحد المسئولين الثلاثة فى هذه المحنة استخلفه عليهم</u> (طباطبایى، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۳)</p>	P10
اعتراض به عامل اصلی بحران	طه: ۹۵ طه: ۸۵ طه: ۸۷	<p>«قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ» رجوع منه <u>عَلَيْهِ السَّلَام</u> بعد الفراغ من تکلم أخيه إلى <u>تکلم السامرى و هو أحد المسئولين الثلاثة و هو الذى أضل القوم.</u> (طباطبایى، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۹۴)</p>	P11

فساد اطرافیان عامل تقویت طاغوت	اعراف: ۱۲۷	«وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَنْذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ» إلى آخر الآية. هذا إغراء منهم لفرعون و تحريض له أن يقتل موسى و قومه (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۲۲).	P12
رها کردن لجوجان	انعام: ۹۱	أمره بأن يدعهم و شأنهم فقال: «ثُمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۷۸)	p13
صراحت و شجاعت در رهبری	اعراف: ۱۰۴	وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (قرآتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۳۱)	p14
استمداد از پروردگار	مائده: ۲۵	قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَ أَخِي فَأَفْرِقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۹۳)	P15
توهین به موسی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	مائده: ۲۴	فِي الْكَلَامِ وَجْوه من الإهانة و الإزراء و التهكم بمقام موسی قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۹۲)	P16
رفاه طلبی و راحت طلبی	مائده: ۲۴	إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ	P17

<p>شناخت حق زمينه تسليم</p>	<p>اعراف: ۱۲۰</p>	<p>القي السحره الساجدين ذلك للإشارة إلى كمال تأثير آية موسى فيهم وإدهاشها إياهم فلم يشعروا بأنفسهم حين ما شاهدوا عظمة الآية و <u>ظهورها عليهم إلا وهم ملقون</u> <u>ساجدون فلم يدروا من الذي أوقع</u> <u>بهم ذلك.</u> (طباطبائي، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۱۶)</p>	<p>P18</p>
<p>تقليدهای غلط</p>	<p>اعراف: ۱۳۸</p>	<p>«اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» <u>أى كما</u> <u>لهم آلهة مجعولة.</u> (طباطبائي، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۳۳)</p>	<p>P19</p>
<p>رفاه طلبی زمينه خواری وذلت</p>	<p>بقره: ۶۱</p>	<p>وَ إِذْ قُلْتُمْ <u>يَمُوسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ</u> <u>وَاحِدٍ فَاذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُخْرِجْ لَنَا... وَ</u> <u>ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَ الْمَسْكَنَةُ وَ بَاءُوا</u> <u>بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ</u></p>	<p>P20</p>
<p>سعه صدر و مهر ورزی صبوری رهبر جامعه (روش مقابله عملی)</p>	<p>اعراف: ۶۱</p>	<p>قَالَ <u>يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي</u> <u>رَسُولٌ مِّنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ</u> عبارت يا قوم پس از آن همه جسارت باز با مهربانی می گوید: ای قوم من. «يا قَوْمِ» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۳)</p>	<p>P21</p>

عدم انجام کار نامعقول از سوی رهبر حفظ وقار و ادب در برابر توهین‌ها (روش مقابله عملی)	اعراف: ۶۷	قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۹۳)	P22
			p870...

لازم به ذکر است که در جدول شماره (۱) سعی گردیده تا به‌عنوان نمونه از کدهای متنوع استفاده شود که شامل مؤلفه‌های گوناگون باشد و حتی الامکان از ذکر کدهای مشابهی که ذیل یک مؤلفه در جدول (۲) می‌گنجد، اجتناب شود به همین دلیل شناسه‌هایی با شماره‌های غیر ترتیبی ملاحظه می‌شود.

۴۱

قرآن پژوهی

۲/۱. بازبینی عناوین، کدها و کدگذاری محوری

پس از بررسی داده‌ها و انجام مرحله کدگذاری در جدول (۱)، نوبت به بازبینی کدهای استخراج شده است. بازبینی و کنترل اطلاعات جمع‌آوری شده، حکم ناظر دقیقی را دارد که محقق فرآیند را با اطمینان بیشتری ادامه خواهد داد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۵۷). در این مرحله باید بتوان کدهای مشابه را ذیل عناوین کلی‌تری قرار داد تا برای مرحله فشرده‌سازی و طبقه‌بندی راه‌گشا باشد. بنابراین لازم است تا نگاه جامع‌تری به داده‌ها داشت و با دسته‌بندی آنها بتوان مقوله یا عناوین کلی‌تری استخراج نمود.

مقوله‌ها، در مقایسه ب-ا م- فاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آنها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسات برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند. مقوله‌ها، شالوده‌های س- اختن‌ن- نظریه هستند. آنها ابزاری فراهم می‌کنند که به‌وسیله آن نظریه می‌تواند یکپارچه شود.

۳/۱. خوشه‌بندی عناوین و کدهای محوری

خلاصه‌کردن و طبقه‌بندی داده‌ها و اطلاعات در هر تحقیقی ضروری است. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۲۶۵). در شیوه تحقیق این مقاله نیز خوشه‌بندی عناوین جزئی، مهم‌ترین مرحله این پژوهش به‌شمار می‌رود؛ چرا که بر اساس آنها می‌توان به الگوی بهتری دست یافت. در این مرحله به هدف

اصلاح عناوین جزئی و خوشه‌بندی آنها در دسته‌های کلی‌تری (مقولات ثانویه)، داده‌ها و عناوین جزئی، بار دیگر بازنگری شده و ذیل عنوان‌های ثانویه در جدولی جدید قرار گرفته است. از آنجا که در موقع جمع‌آوری داده‌ها محقق در پیش‌نویس خود به مؤلفه‌هایی همچون عوامل، مبانی، اصول، اهداف و زمینه‌ها توجه دارد، لذا داده‌های هر قسمت در ذیل عنوان مربوطه لحاظ گردیده و اکنون با ملاحظه مؤلفه‌های مذکور عناوین کلی، شکل گرفته و این عناوین کلی مقوله‌های جزئی را در بر دارد. در جدول شماره (۲) همان طور که مشاهده می‌شود داده‌ها دسته‌بندی شده و ذیل مقوله‌های کلی‌تری آمده است؛ برای مثال کدهایی همچون انتصاب جانشین، مطالبه‌گری از قوم، بازخواست جانشین و تبعید عامل اصلی بحران ذیل عنوان کلی‌تری با نام روش‌های عملی مواجهه با بحران و کدهای تذکر و توصیه مستمر، تهدید به عذاب اخروی و دنیوی، یادآوری نقض پیمان، دعوت به توبه و ندامت و توصیه به شکرگزاری نعمت‌ها با نام روش‌های گفتاری به‌عنوان مقوله در جدول شماره (۲) آمده است. بنابراین در مرحله کدگذاری انتخابی، وجوه مشترک مؤلفه‌های سرآمده از مراحل قبلی، شناسایی شدند و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری ساماندهی شدند.

جدول شماره (۲): مؤلفه‌ها و عناوین کلی

مؤلفه	مقوله	کدها	شناسه	
مبانی	نظری	همراهی خداوند در هر حال؛ عدم هدایت‌گری معبودهای دنیوی؛ امداد الهی؛ نجات مومنان؛ مورد تأیید خداوند بودن؛ یقین به نصرت پروردگار؛ ربوبیت خداوند؛ مأموریت از جانب خداوند و...	P3-p5-p4-p2- p54-p202-p389- p711-p619- p567-p136- p454-p372-p688	
	عملی	انجام فرامین الهی؛ توجه به نعم الهی در هر حال قاطعیت در تصمیم‌گیری؛ لزوم وجود رهبری برای جوامع و...	P1-p171-p68- p701-p623-p58- p111-p248-p332	
اصول	نظری	پرهیز از محیط ناسالم؛ پرهیز از رفاه‌طلبی؛ پیشگامی رهبر؛ اظهار دلسوزی و خیرخواهی	P73-p116-p262- p791-p583-p34- p170	
	عملی	در رابطه با عوام	محبت‌ورزی و مهرورزی؛ ایجاد رابطه عاطفی با مخاطبان؛ استمرار رابطه عاطفی؛ تبلیغ رودررو و مستقیم؛ دعوت با بینه؛ صبوری	P9-p13-p17- p41-p48-p57- p132-p69-p77- p277-p383
		در رابطه با خواص	قاطعیت؛ شکیبایی؛ استقامت در دعوت؛ عدم تأثیرپذیری از منحرفان؛ همراهی با منطق و استدلال؛ بیان صریح از اهداف و...	P43-p48-p113- p454-p666- p269-p555-p413
		در رابطه با خود	لزوم تزکیه نفس؛ توجه به مبدا؛ عدم خوف و حزن؛ وسعت شرح صدور...	P17-p18-p19- p123-p162- p181-p421

P13-p15-p21- p489-p339- p333-p397- p399-	فرعون؛ ملاء قوم؛ سامری؛ ساحران؛ قبطیان؛ عوام جاهل و فاسق	انسانی	
P69-p20-p48- p49-p203-p155- p180-p191-p70- p109-p207- p557-p45-p321- p231-p83-	وجود منحرفان؛ فقدان مقطعی رهبر؛ تمرکز بر مسایل مادی به جای مسایل اصلی؛ ظاهرگرایی؛ وجود پیمان شکنان؛ حاکم بودن روحیه لجاجت؛ رفاه طلبی؛ درخواست های غیر معقول؛ سرپیچی از فرمان رهبری؛ ارتکاب کارهای حرام؛ خودداری از جهاد پیروی از ستمگران؛ لجاجتی؛ تقلید بدون تفکر؛ زینت دادن اعمال توسط شیطان	محیطی	عوامل
P207-p53-p33- p79-p42-p655- p444-p222- p673-p24-p556- p696-p147-	ترس؛ استضعاف؛ غرور؛ زیاده خواهی؛ روحیه رکشی ولجاجت؛ جهالت و بت پرستی؛ بهانه جویی؛ اعتقاد به موهومات و فرضیات؛ شک و تردید؛ ظاهرگرایی	روانی	زمینه
P223-p29-p59- p69-p93-p73- p81-p88-p44- p99-0100	محیط فاسد؛ عدم انسجام؛ وجود تفرقه قومی؛ وجود منحرفان؛ وجود مستکبران؛ همجواری با مستکبران؛ موقعیت سیاسی بنی اسرائیل؛ بردگی قوم	محیطی	

P102-p95-p33- p346-p263- p565-p688-	ایجاد آمادگی؛ لبیک گفتن به ندای مسئولیت؛ انذار قوم	ابتدایی	اهداف
P424-p417- p399-p676- p689-	نجات بنی اسرائیل؛ رفع جهالت قوم؛ مبارزه با فرعون اتمام حجت با مخاطبان؛ ابلاغ رسالت الهی	میانی	
P133-p432- pp261-p108- p107-p629	نجات مستضعفان؛ هدایت مردم؛ استکبار ستیزی؛ برقراری حکومت عادلانه	غایی	
P116-p31-p37- p44-p54-p343- p293-p441-	بشارت؛ انذار؛ دعوت بر اساس بینه؛ توجیه منطقی؛ تذکر مستمر؛ نقل قصص پیشینیان و دعوت به تفکر با طرح پرسش؛ دعوت به توبه و انابه؛ یادآوری نعمت‌ها؛ نفرین سامری؛ اعلام صریح برائت از مشرکان؛ بیان بدون ترس واقعیات.	گفتاری	روش
P21-p22-p152- p149-.....	مهرورزی؛ صبوری؛ به‌کارگیری قول لین؛ تعامل عاطفی؛ تحریک عواطف و حفظ وقار و ادب در برابر توهین‌ها؛ مهربانی؛ نرمی در گفتار؛ صبر و بردباری؛ دلسوزی و خیرخواهی و...	عاطفی	
P11-p13-p14- p238-....	اتمام حجت؛ مطالبه‌گری؛ هجرت؛ اقدام قاطع؛ تبعید عامل اصلی بحران؛ تخریب عامل انحراف؛ ارائه معجزه و قاطعیت و صراحت در گفتار در برابر مستکبران؛ شجاعت و ترسیدن از غیرخدا و...	عملی	

۲. مدل سازی (ارائه الگو)

دستاورد طبیعی مرحله کدگذاری انتخابی، ارائه مدل است. تجزیه و تحلیل پایانی به منظور ارائه نظریه و الگوی مورد نظر، در این مرحله صورت می‌گیرد. در رمزگذاری گزینشی، به پالایش یافته‌های قبلی پرداخته می‌شود و در نهایت، با طی این فرآیند، یک چارچوب نظری و الگو ارائه می‌گردد (چارمز و بریان، ۲۰۰۸، ص ۳۷۴).

مرحله مدل سازی، مهم ترین قسمت کار است و سایر مراحل مقدمه برای رسیدن به مدل مناسب است. در این مرحله نیز چند گام اساسی طی شده است. برای ارائه الگو، مدل های متنوع مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به ارتباط مؤلفه های جدول شماره (۲)، چند الگو ترسیم شد.

از میان همه مدل ها، چهار نمونه از بهترین های آنها انتخاب شده و بار دیگر بر روی آن الگوها با توجه به ارتباط مقولات و عناوین آن با یکدیگر، اصلاحاتی صورت گرفته و ارتباطها به تصویر درآمد. طراحی و انتخاب دو الگوی اول، از آن رو بود که مرحله به مرحله، ذهن برای الگوی نهایی آماده شود.

مدل شماره ۱: رابطه زمینه ها، عوامل و روش ها

پس از بررسی های به عمل آمده در آیات مربوط به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام مشخص گردید که زمینه های متعددی برای ایجاد بحران های اجتماعی در عصر ایشان وجود داشته است؛ استضعاف قوم بنی اسرائیل توسط فرعونیان و بردگی ایشان در قبل از رسالت حضرت موسی و بعد از آن وفور نعمت و وجود روحیه سرکشی آنها پس از رسالت موسی و بعد از رهایی از دست فرعونیان زمینه هایی بود تا موجب شکل گیری رفتارهایی از سوی این قوم گردد. رفتارهایی همچون رفاه طلبی، لجاجت، عدم همراهی رهبر جامعه در موقع جهاد و بهانه جویی های متعدد از جمله عواملی بود که منجر به پیدایش شدیدترین بحران ها از قبیل تمایل به گوساله پرستی در قوم بنی اسرائیل گردد. از آنجا که حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان رهبر الهی و طیفه هدایت این قوم لجاجت را برعهده دارد طبعاً اتخاذ روش ها باید متناسب با آن عوامل و زمینه ها باشد در الگوی شماره (۱) این رابطه نمایش داده شده است. البته باید خاطر نشان کرد که برخی زمینه های ایجاد بحران که در آیاتی به آنها اشاره شد در برخی موارد و در آیات دیگر عامل ایجاد بحران قلمداد می‌شود؛ مثلاً روحیه سرکشی قوم در جایی زمینه ایجاد بحران و مخالفت با رهبری و در جای دیگر عامل ایجاد بحران است.



مدل شماره ۱: پیوستگی زمینه‌ها و عوامل و روش‌ها

مدل شماره ۲: رابطه بین اهداف، مبانی و اصول

در تعاریف مبنا و اصول و اهداف گذشت که مبانی و اهداف و رابطه آن دو بر اصول تأثیر گذارند؛ زیرا اصول بایدهایی هستند که از مبانی و اهداف گرفته می‌شود. در واقع مبانی واقعیت‌های وجودی و هست‌ها هستند که بر اصول که بایدهای کلی‌اند، تأثیرگذارند. برای نمونه هدف غایی، هدایت قوم و نجات مستضعفان خود بر مبناهایی استوار است که در الگوی مورد نظر به آن اشاره گردیده و این اهداف و مبانی مستقیماً بر اصول تأثیر گذارند.



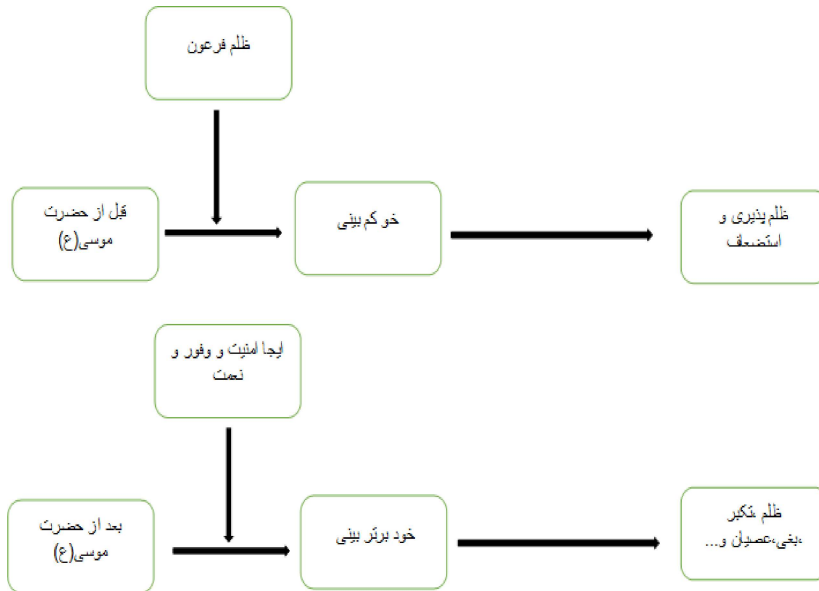
مدل شماره (۲) وابستگی اهداف با مبانی و اصول

مدل شماره ۳: شرایط و زمینه‌های ایجاد بحران

الگوی شماره (۳) بیانگر شرایط اجتماعی قبل از حضرت موسی عليه السلام و شرایط اجتماعی بعد

از زمان حضرت موسی عليه السلام است و رفتارهای قوم بنی اسرائیل است که موجب ایجاد بحران‌های

اجتماعی گردیده است در این الگو سعی گردیده تا با تحلیل اوضاع و زمینه‌های قبل و بعد از رسالت موسی علیه السلام به علل ایجاد بحران‌ها دست یافت.



مدل شماره (۳): زمینه‌ها و شرایط ایجاد بحران

الگوی شماره ۴: الگوی نهایی مدیریت بحران‌های اجتماعی حضرت موسی علیه السلام

مدل‌سازی مرحله‌ای است که نیاز به تفکر، ابتکار، خلاقیت و خبرگی دارد. مرحله بسیار دشواری که حتی بیش از مرحله جمع‌آوری داده‌ها، دقت و نیرو به خود اختصاص می‌دهد. مدل مواجهه با بحران‌های اجتماعی حضرت موسی علیه السلام حاصل از اجرای روشن داده‌بنیاد در شکل شماره (۴) آمده است. در این مدل نیز از پیکان فلش‌ها می‌توان ارتباط‌ها را فهمید؛ در مدل پیش رو پس از تحصیل مؤلفه‌های به‌دست آمده، رابطه آنها به شکل مدل ظاهر شده است. رابطه‌ای که بین موارد مذکور وجود دارد به این شکل است که وجود زمینه‌هایی چون جهل، استکبار و غرور و تکبر در رسیدن به اهداف و انجام روش‌ها، مانع ایجاد می‌کند و عواملی همچون وجود متکبران و منحرفان، تمرکز بر مادیات، ظاهرگرایی و وجود پیمان‌شکنان و رفاه‌طلبی در ایجاد بحران نقش اساسی دارند و به دنبال آن این موارد بر روش‌های مدیریت و رهبری حضرت موسی علیه السلام با این بحران‌ها اثر می‌گذارند. روش‌هایی که در سه حیطه گفتاری، رفتاری و عاطفی توسط رهبر جامعه به کار گرفته می‌شود و به مقتضای شرایط

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی دینی و با مراجعه به اصلی‌ترین منبع دین یعنی قرآن کریم، با استفاده از تکنیک داده‌بنیاد که روشی نو و جذاب در استفاده و بهره‌گیری از قرآن کریم است به دنبال دستیابی به الگوی مواجهه با بحران‌های اجتماعی توسط حضرت موسی علیه السلام بوده است.

برای پژوهش فوق پس از بررسی آیات قرآن کریم، در زمینه مواجهه با بحران‌های اجتماعی پس از ارائه الگوی شماره (۳) که بیانگر شرایط اجتماعی قبل از حضرت موسی علیه السلام و شرایط اجتماعی بعد از زمان حضرت موسی علیه السلام بود و رفتارهای قوم بنی‌اسرائیل که موجب ایجاد بحران‌های اجتماعی گردیده بود، ترسیم شد. زمینه‌هایی چون استضعاف بنی‌اسرائیل، روحیه سرکشی قوم پس از نجات از دست فرعونیان، بهانه‌جویی‌های مکرر و... و عواملی همچون وجود فرعون و ملاء قوم و منحرفانی چون سامری و ساحران، عوام جاهل و فاسق و نیز فقدان مقطعی رهبر، تمرکز بر مسایل مادی به جای مسایل اصلی و ظاهرگرایی و داشتن روحیه لجاجت و رفاه‌طلبی منجر به ایجاد بحران‌های اجتماعی گردید. با روش‌های به‌کارگرفته‌شده توسط حضرت موسی علیه السلام همچون روش‌های گفتاری بشارت و انذار و دعوت بر اساس بینه، توجیه منطقی و تذکر مستمر و گاهی نیز با نقل قصص پیشینیان و دعوت به تفکر با طرح پرسش و گاهی با روش‌های عملیاتی چون اقدام قاطع و تبعید عامل اصلی بحران، تخریب عامل انحراف که همان گوساله بود، مدیریت بحران صورت گرفته و طبق آن موارد برای مدیریت این بحران‌ها الگوی شماره (۴) طراحی گردید. در چهار الگوی به‌تصویر کشیده شده که زیربنایی‌ترین آنها الگوی شماره (۱) است. رابطه مبانی و اهداف را بر اصول نشان می‌دهد. چنین الگویی می‌تواند مقدمه‌ای برای طراحی الگوی روش‌های مواجهه با بحران‌ها باشد. وقتی اصول و اهداف بر پایه مبناهای واقعی طرح‌ریزی شوند هم‌بستگی مابین آنها می‌تواند در طراحی الگوی مطلوب راهگشا باشد. در الگوی مورد نظر مبناهایی همچون همراهی خداوند در هر حال و عدم هدایت‌گری معبودهای دنیوی، وجود امدادهای الهی در هر حال و نجات مؤمنان و یقین به نصرت پروردگار مستقیماً بر اهداف مدیریتی که همان نجات قوم و رفع جهالت و برقراری حکومت عادلانه و... تأثیرگذارند.

الگوی دوم و سوم به عنوان یک الگوی بیان کننده زمینه‌های ایجاد بحران‌ها در کنار الگوی اول تکمیل کننده الگوی نهایی گردید. در پایان این پژوهش می‌توان به این نتیجه دست یافت که آنچه زمینه‌ساز عوامل ایجاد بحران می‌باشد مانند استضعاف قبلی قوم و استکبار فعلی قوم، می‌تواند موجب ایجاد عواملی همچون سرکشی و عصبان از فرمان نبی، تمایل به گوساله‌پرستی و غیره شود و همه اینها عواملی برای اتخاذ روش‌های مدیریتی خاص در شرایط خاص گردد. روش‌هایی که بنا بر شرایط خاص در سه حالت گفتاری، رفتاری و عاطفی بروز و ظهور می‌یابد.

بدیهی است که پژوهش حاضر، پژوهش بنیادی است که نتایج آن می‌تواند مسیر حرکت مدیران را در مدیریت بحران‌ها فراهم سازد. الگوی قرآنی ارائه شده می‌تواند با حذف موارد اختصاصی آن دوره، در زمینه کلیات راهگشای جوامع صنعتی در حل بحران‌های اجتماعی باشد.

پیشنهادات: محققان در این مسیر می‌توانند با رویکردهای متنوع به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل سؤال این تحقیق باشند و از آنجا که قصص قرآن غنی از معارف متعالی در جامعه‌شناسی است، می‌توان با پژوهش‌هایی پیرامون موارد مبتلابه جامعه و استخراج الگوهای قرآنی، هم مرجعیت علمی قرآن را ثابت نمود و هم راهکارهای مفیدی را به جامعه ارائه نمود. در ادامه تحقیق حاضر عوامل و زمینه‌های بروز بحران‌های فرهنگی - اعتقادی نیز نیازمند واکاوی و دقت نظر فراوان است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به آن توجه شود.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ق.
۳. بابائی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی، روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: سمت، ۱۳۸۵.
۴. تاجیک، محمد رضا، مدیریت بحران، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۴.
۵. جمعی از نویسندگان، فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، بی تا.
۶. حافظنیا، محمدرضا، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت، ۱۳۹۵.
۷. حسینی زاده، علی، نگرشی بر آموزش (سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
۹. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الدارالشامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۰. روشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.
۱۱. ساروخانی، باقر، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۲. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز؛ نظریه های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۳. شایان مهر، علی رضا، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران: کیهان، ۱۳۷۷.
۱۴. ضیایی، علی اکبر، «روش های تبلیغی حضرت موسی در قرآن»، مشکوة، پاییز و زمستان ۱۳۷۱، شماره ۳۶-۳۷.
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۶. عباسی مقدم، مصطفی، مقاله «نگاهی به ابعاد مفهومی و کارکردی الگو و اسوه در تربیت و تبلیغ دینی»، پژوهش نامه تربیت تبلیغی، سال یکم، پاییز ۱۳۹۱، شماره ۱.

۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۹. قرشی، سید اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۲۰. کشاورز، سوسن، «مبانی و اصول تربیت از دیدگاه امام خمینی»، مجموعه آثار کنگره اندیشه‌های اخلاقی امام خمینی (ره)، ج ۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۲۲. ناکینی، محسن، «تأثیر سازماندهی در مدیریت بحران‌های اجتماعی»، علوم سیاسی، سال ششم، بهار ۱۳۹۶، شماره ۱۸.
۲۳. نوری زنجانی، محمد اسماعیل، «عبور حضرت موسی و یارانش از دریا»، مبلغان، سال بیست و یکم، ۱۴۴۱ق، شماره ۲۴۳.
۲۴. الوانی، سید مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
۲۵. یاور، وحید، پاورپینت آشنایی با روش تحلیل مضمونی، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴.